

جوانان حکمتیست ۱۹

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

سرمدیر: فواد عبدالله foadsjk@yahoo.com

دیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com



۱۵ دی ۱۳۸۳ - ۱۴ آذر ۲۰۰۵ www.sjk-hekmatist.com سه شنبه ها منتشر می شود

نقش قهر در سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب سوسیالیستی



وداع با ۲۰۰۴!

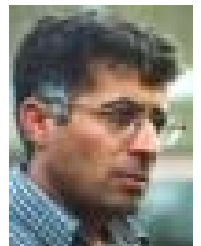
سال ۲۰۰۴ تمام شد. انسانها فرا رسیدن سال تازه ۲۰۰۵ را با شادی و شغف در اجتماعات صدها هزار نفره در اروپا جشن گرفتند. این احساس که زندگی می تواند در سال تازه تغییر یابد، این شعور که انسان می تواند خوشی و شادی و امید را سرلوحه حرکت به سوی آینده قرار دهد، اینکه زندگی زیباست و باید نه هر سال که هر لحظه آن را غنیمت شمرد، اینکه سیاهی و مرگ و عزا با اصل حیات منافات دارد و گذرگاه های زندگی را باید آسایش و رفاه و سعادت بیاریند، انسانها را در آخرین دقایق تحویل سال به دور هم گرد آورد. قدرت پایکوبی و رقص و سرمستی جوانان دختر و پسر در این لحظات تنها و تنها اثبات این حقیقت است که انسان سرشتی آزاد و زیبا دارد. سرشتی که نمی توان آن را با هیچ حربه ای در بند کرد. به امید روزی که بتوان اجتماعات هزاران نفره را در کمال آزادی و برابری در جامعه ایران برپا کنیم. ۲۰۰۵ بر شما جوانان مبارک!

اهدافشان همان اهداف سابق است نمیتوانند خیلی فراتر از اهدافشان گام بردارند و برنامه بدهند شما میگویید که خواهان رفتن رژیم جمهوری اسلامی هستید من هم در این نیت شما شکی ندارم اما وقتی مخالفت خود را با انقلاب و قیام مردم آنقدر برجسته و اکسترم بیان میکنید، متأسفانه شما برخلاف آرزوهایتان به هدفتان یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری سکولاریسم و آزادی یاری نمیرسانید ترس و وحشت شما از به میدان آمدن مردم، به ادامه وضعیت موجود کمک میکند قبلا در نوشته قبلی ام در نقد شما نوشتم که

اهدافشان همان اهداف سابق است نمیتوانند خیلی فراتر از اهدافشان گام بردارند و برنامه بدهند شما میگویید که خواهان رفتن رژیم جمهوری اسلامی هستید من هم در این نیت شما شکی ندارم اما وقتی مخالفت خود را با انقلاب و قیام مردم آنقدر برجسته و اکسترم بیان میکنید، متأسفانه شما برخلاف آرزوهایتان به هدفتان یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری سکولاریسم و آزادی یاری نمیرسانید ترس و وحشت شما از به میدان آمدن مردم، به ادامه وضعیت موجود کمک میکند قبلا در نوشته قبلی ام در نقد شما نوشتم که

” نمیگویم شما آگاهانه دارید اینکار را میکنید اما کسانی که برای نفی انقلاب در ایران، تأثیر انقلابات در جهان و از جمله و بخصوص انقلاب فرانسه و اکتبر را زیر سوال میبرند هدفشان ادامه حفظ حیات نظام جمهوری است چون جمهوری اسلامی بدون یک انقلاب، بدون یک قیام از سر راه مردم کنار نمیرود و یا کنار رفتنش با مشقات زیاد برای مردم همراه میگردد“

من قبلا مقاله ای از شما خواندم که حتی دخالت مردم را در مقابل دموکراسی و آزادی گذاشته بودید و مدعی شده بودید که مردم قبل از دخالت باید آموزش دموکراسی ببینند راستی این آموزش دموکراسی در کجا و چگونه باید صورت گیرد؟ در زیر سایه جمهوری اسلامی، در زیر سایه حکومت سلطنتی و یا بالاخره زیر سایه کدام الیت سیاسی مردم باید آموزش دموکراسی ببینند چرا به جای کسب آزادی و برابری مردم باید آموزش دموکراسی ببینند آقای زارع زاده قبل از اینکه شما یا به میدان مبارزه بگذارید، میلیونها زن هر روز بر علیه حجاب اجباری با رژیم اسلامی درگیر بودند و همانطور که میبینید رژیم اسلامی نتوانسته است آنطور که میخواست حجاب کامل و چادر سر زنان بکند کارگران پس از انقلاب در سراسر ایران رژیم اسلامی را با چالشی عظیم مواجه ساخته بودند و تشکل های کارگری شکل گرفته نه تنها مطالبات صنفی کارگران را طرح



محمود قزوینی

این نوشته هنوز به اتمام نرسیده است. امیدوارم پس از تمام شدن دادگاه شما و سر فرصت به آن ادامه بدهیم.

به آقای زارع زاده عزیز با سلامهای گرم

در نوشته قبلی ام قول داده بودم که به برخی از سوالات در باره سوسیالیسم و انقلاب و قهر و... پاسخ دهم اما قبل از آن بگذار به مسئله دیگری بپردازم بگذارید از اظهاری از من که موجب ناراحتی شما شد شروع کنم. نوشتید من شما را به همکاری با فاسدترین نظام موجود در جهان متهم کردم من چنین اتهامی به شما ندم اتفاقا شخصا برای انستهای مانند شما که آرزوی زندگی بهتری برای مردم در سر دارید ارزش و احترام قائلم اما متأسفانه تئوری شما که قیام و انقلاب بر علیه جمهوری اسلامی را نفی میکند به حفظ اقتدار آن کمک میکند این به معنی همکاری شما با جمهوری اسلامی نیست شکی ندارم که شما همانطور که میگویید میخواهید جمهوری اسلامی برود اما از قیام و انقلاب وحشت دارید و آن را مترادف هرج و مرج و خشونت میگیرید برای همین من نوشتم شما اهدافتان محدود است تا چندی پیش بسیاری از شما طرفدار پروژه اصلاحات خاتمی بودید و تغییر وضعیت را از این طریق جستجو میکردید طرفداری از پروژه اصلاحات چیزی جز دفاع از پروژه یک بخش از رژیم نبود اما به هر حال امروز بسیاری از دوم خردادی های سابق به صف سرنگونی طلبان پیوستند اما از آنجا که

گروپ جوانان حکمتیست در یاهو
<http://groups.yahoo.com/javananekomunist>
گروپ جوانان حکمتیست محلی برای پیشبرد اهداف و سیاست های انسانی، مدرن و امروزی است. شما می توانید با پیوستن به این گروپ برای شرکت در بحث و مجادله فعال شرکت کنید. در اینجا می توانید نظرات و تحلیلان را بازگو کنید.

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

”مصائب دوران پس از انقلاب در ایران را باید بیای مسیبین آن نوشت مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تحقیری را که شالوده آن را تشکیل میداد نخواهند و به اعتراض برخیزند مردم حق داشتند که آخر قرن بیستم شاه نخواهند، ساواک نخواهند، شکنجه گر و شکنجه گاه نخواهند مردم حق داشتند در برابر ارتشی که با اولین جلوه های اعتراض کشتارشان کرد دست به اسلحه ببرند انقلاب ۵۷ حرکتی برای آزادی و عدالت و حرمت انسانی بود جنبش اسلامی و دولت اسلامی نه فقط محصول این انقلاب نبود، بلکه سلاخی بود که آگاهانه برای سرکوب این انقلاب، هنگامی که ناتوانی و زوال رژیم شاه دیگر مسجل شده بود، به میدان آورده شد برخلاف نظرات رایج، جمهوری اسلامی وجود خود را در درجه اول مدیون شبکه مساجد و خیل آخوندی های جزء نبود منشاء این رژیم قدرت مذهب در میان مردم نبود، قدرت تشیع، بیعلافگی مردم به مدرنیسم و انزجارشان از فرهنگ غربی، سرعت بیش از حد شهرنشینی و کمبود ”تمرین دموکراسی“، و غیره نبود این خزعلیات ممکن است بدر کابری شغلی ”شرق شناسان“ نیم بند و مفسرین رساله ها بخورد، اما سرسوزنی به حقیقت ربط ندارد جریان اسلامی را همان نیروهایی به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و ساواکش را تعلیم میدادند آنها که پتانسیل رادیکالیسم و دست چپی از آب در آمدن انقلاب ایران را میشناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت درس خود را گرفته بودند آنها که به یک کمربند سبز در کوش و قوسهای جنگ سرد نیاز داشتند برای ”اسلامی“ شدن انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد هزاران نفر، از دیپلماتها و مستشاران نظامی غربی تا ژورنالیستهای همیشه باشرف دنیای دموکراسی ماهها عرق ریختند تا از یک سنت عقب مانده، حاشیه ای، کپک زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک ”رهبری انقلاب“ و یک آلتزناتویو حکومتی برای جامعه شهری و تازه - صنعتی ایران سال ۵۷ بسازند آقای خمینی نه از نجف و قم و در راس خیل ملاهای خر سوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلابی انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم محروم ایران بود، اما ”انقلاب اسلامی“ و رژیم اسلامی محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن ترین معادله سیاسی جهان آن روز، معماران این رژیم، استراتژیستها و سیاست گذاران قدرتهای غربی بودند همانها که امروز از درون لجنزار نسبی گرایی فرهنگی، هیولای مخلوق خودشان را به عنوان محصول طبیعی ”جامعه شرقی و اسلامی“ و درخور مردم ”جهان اسلام“ یکبار دیگر مشروعیت میبخشند کل امکانات اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی غرب برای ماهها قبل و بعد از بهمن ۵۷ برای به کرسی

نشاندن این رژیم و سر پا نگاهداشتن آن بسیج شد“

سرنگونی جمهوری اسلامی (اهداف و وسائل)

من در مقاله قبلی ام نوشتم که اگر کسی خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی باشد دیگر در باره سرنگونی مسالمت آمیز و با غیر مسالمت آمیز آن حرف نمیزند بلکه وسائل سرنگونی آن را آماده میسازد نوشتیم اگر شما حتی به یک شخصیت لیبرال و یا محافظه کار اروپایی بگویید که چرا شما در برخورد با هیتلر قهر بکار بردید و راه مسالمت آمیز را نرفتید به شما خواهد خندید رژیم جمهوری اسلامی ایران، طالبان و هیتلر با زبان خوش از سر راه کنار نمیروند این اصلا به سوسیالیست و کمونیست بودن من و طرفداری من از قهر ربطی ندارد میگویم حتی یک لیبرال هم نمیتواند از راه مسالمت آمیز و راه بدون قیام و انقلاب در سرنگونی جمهوری اسلامی حرف بزند این چیزی که در شرایط جمهوری اسلامی باب شده است و فقط از طرف کسانی بیان میشود که تا دیروز یا بخشی از حکومت بودند و یا از آن حکومت حمایت میکردند من نوشتم که من شکی ندارم که شما خواهان رفتن جمهوری اسلامی هستید پس حرف زدن بر علیه انقلاب و قیام حتی برای خواست شما یعنی رفتن جمهوری اسلامی هم زیانبار است اما مردم در سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنگونی حکومت مذهبی، آبار تاید جنسی بر علیه زن، سرنگونی فقر و نداری، سرنگونی استبداد و قلدری و... میبینند اگر شما خواهان این مطالبات باشید باید طرفدار انقلاب و قیام برای برقراری آزادی و برابری باشید چون راه دیگری وجود ندارد سپاه و بسیج و ارتش و انصار و تمامی دستگاه حکومت چه قبل از سرنگونی و چه پس از آن در شکل گروههای خطرناک تروریستی در مقابل مردم مقاومت میکنند راه مسالمت آمیزی که شما از آن صحبت میکنید در بهترین حالت توهمی بیش نیست این یعنی اینکه بگذارید این رژیم به حیاتش ادامه دهد شما زارع زاده عزیز باید یکبار دیگر در تفکراتان تجدید نظر کنید اگر شما طالب آزادی و برابری باشید و برای آن تلاش کنید و برقرارش کنید مسلما با مخالفت نیروهای ارتجاعی مواجه میشوید و مجبورید این نیروها را شکست دهید من قبلا نوشتم که هر حکومتی که در ایران سر کار بیاید و بخواهد آزادی زن را برقرار کند مجبور است نیروهای مرتجعی که فردا با شعار یا روسری یا تو سری به خیابان میآیند و یا به روی زنها اسید میپاشند و یا دست به ترور میزنند بایستند و آنها را شکست دهد راه مسالمت آمیز شما دارد به مردم میگوید میشود از خواست آزادی دست برداشت و برایش دعوا و جنگ نکرد و آتوق مسالمت هم برقرار میشود اگر واقعا هم کسی قصد برقراری آزادی را نداشته باشد، میتواند از

مسالمت هم حرف بزند شما اگر نخواهید آزادی و برابری کامل زنان را برقرار کنید، دعویای هم با مخالفین آزادی زن ندارید در همه زمینه های دیگر هم همینطور، اگر بخواهید مذهب را به امر خصوصی انسانها تبدیل کنید، اگر بخواهید آزادی ضد مذهبیون را در نقد مذهب تأمین کنید، اگر بخواهید حقوق و رفاه برقرار کنید و... با مخالفت نیروهای دیگری مواجه میشوید که باید به آنها پاسخ دهید امروز جمهوری اسلامی حاکم است و برای حفظ خود و همه حاکمیت و منافع خود به حرفهای مسالمت آمیز شما گوش نمیدهد شما را به دادگاه میکشاند و خودت بهتر میدانی که اگر اوضاع آرام باشد و مقاومت و مخالفتی نباشد با شما همانند زندانبان سیاسی دهه ۶۰ رفتار میکند اگر شما هدفتان سرنگونی جمهوری اسلامی باشد باید از تکیه به راه مسالمت آمیز دست بکشید و به طرفداران انقلاب و قهر ببیونید

سوسیالیسم و قهر

شما نوشتید چون من طرفدار انقلاب سوسیالیستی در ایران هستم، تاکتیک قهر آمیز همیشه در دستور کارم قرار دارد این حرف شما درست است که من طرفدار کاربرد قهر بر علیه جمهوری اسلامی هستم اما چند اشکال در همین یک جمله وجود دارد که دوست دارم آن را بشکافم

رابطه قهر با جمهوری اسلامی

سرنگونی قهری جمهوری اسلامی ربطی به سوسیالیست بودن من ندارد مسلما به عنوان یک سوسیالیست اهداف رادیکال و عمیقی را تعقیب میکنم که بسیار بعید است رژیم در مقابل آن نایستد و قهر بکار نبرد اما در رابطه با جمهوری اسلامی باید بگویم که برای به کرسی نشاندن محدود ترین مطالبات و خواسته های آزادیخواهان باید این رژیم را با نیروی قهر سرنگون ساخت اگر شما فکر میکنید مردم باید یک ۲۵ سال دیگر دندان روی جگر بگذارند و سرکوب و خفقان و بی حقوقی را تحمل کنند تا شاید تغییر تدریجی و مسالمت آمیز رژیم به یک رژیمی مانند پاکستان و مصر صورت گیرد، باید بگویم من و فکر میکنم ۹۵ درصد مردم ایران نه حاضر به چنین دندان روی جگر گذاشتنی هستند و نه باید اتقدر دنبال اهداف محدود و خرد باشیم که حکومت پاکستان و مصر الگوی ما باشد و اگر نه شما راه سریع مسالمت آمیز دیگری برای سرنگونی این رژیم سراغ دارید بفرمایید تا من هم قبول کنم اما مطمئن باش که هیچ انسانی بر سر اسب بازنده شرط نمیندد شما میگویید اگر من از سوسیالیست بودنم کوتاه بیایم و به یک خواست حداقل مانند نفی حاکمیت دینی تن دهم، به راه مسالمت آمیز روی میآورم اما در برخورد به رژیمهایی مانند جمهوری اسلامی و هیتلر و طالبان و... برای کسب ابتدایی ترین خواست مانند آزادی پوشش و یا نسوزاندن

یهودیان و یهپایان و قتل و ترور مخالفین اسلام و... سرنگونی رژیم در دستور قرار میگردد که صحبت از راه مسالمت آمیز اگر توهین به شما نباشد، یاوه مینماید

رابطه قهر با انقلاب سوسیالیستی

شما جا به جا نوشته اید که چون من سوسیالیست هستم و برای یک انقلاب سوسیالیستی تلاش میکنم پس طرفدار خشونت و قهر نیز هستم و اینکه نباید تاکتیک خشونت آمیز خود را بر عهده حکومت بگذارم و خشونت از اجزای تئوری سوسیالیست هاست و اگر از تئوری انقلاب سوسیالیستی دست بردارم ممکن است به راه مسالمت آمیز روی آورم ابتدا باید تعجب خودم را از این حرف شما ابراز کنم که نوشته اید من نباید تاکتیک خشونت آمیز خود را بر عهده حکومت بگذارم شما اگر در جهان واقعی زندگی میکنید به من بگویید اگر بخواهید همین امروز به ماشین خشونت جمهوری اسلامی، ماشین سنگسار و اعدام و قصاص اسلامی و اعدام ها و گورهای دسته جمعی، ماشین نبردختن دستمزد کارگران و به خون کشیدن اعتصاب آنها، ماشین ممنوعیت اعتصاب و تشکل، ماشین آبار تاید جنسی، ماشین اعدام کودکان پایان دهید چه میکنید راه مسالمت آمیز شما چگونه جلوی این ماشین را با سپاه و ارتش و بسیج و آخوند و وزارت اطلاعات و... سد میکند و مسالمت آمیز به همه اینها پایان میدهد من همانطوری که گفتم راه حل من یک قیام و انقلاب است با انقلاب به بیدرترین و سریعترین شکلی به عمر این ماشین آدمکشی پایان میدهم و آزادی را برقرار میسازیم در رابطه با جمهوری اسلامی صحبت از راه مسالمت آمیز یاوه است اما اگر واقعا ما به آزادی کامل دست پیدا کنیم احتمال راه مسالمت آمیز برای یک انقلاب سوسیالیستی هم بوجود میآید در صورت آزادی کامل ما سوسیالیست ها میتوانیم مردم و کارگران را متحد و متشکل سازیم و به آنها نشان دهیم که تنها راه پایان دادن به مصائبشان برقراری یک جمهوری سوسیالیستی است اما شکی ندارم که چنین آزادی در ایران توسط یک دولت معمولی سرمایه داری برقرار نمیشود تاریخ در ایران نشان داده است که دولت های بورژوازی برای حفظ منافع خود به سرکوب و دیکتاتوری روی میآورند توضیح این مسئله به مقاله جداگانه ای نیاز دارد اما همین را بگویم که آزادی که در یک شرایط انقلابی و توسط دولت برخاسته از یک قیام آزادیخواهان بر علیه جمهوری اسلامی که آزادیهای وسیع را تضمین کند میتواند گامی در راه پایان دادن به مصائب مردم باشد

در هیچ کجایی از

تئوری کمونیسم، قهر جز لاینجزای انقلاب کارگری قلمداد نشده است.

دوست عزیز آقای زارع زاده شما نوشته اید که گویا من به دلیل سوسیالیست بودن طالب خشونت هستم و نباید این را به حساب حکومتها بگذارم و تئوری خشونت از اجزای لاینجزای انقلاب سوسیالیستی است از جمهوری اسلامی و حکومتهای اسلامی و فاشیستی در دنیا بگذریم که کسی نمیتواند از تغییر مسالمت آمیز آنها حرف بزند اگر از من بپذیرید که بدون انقلاب و قیام و بدون قهر نمیتوان رژیم اسلامی را برانداخت آتوق حالت معمولی و متعارف چه راه حلی برای رسیدن به سوسیالیسم دارند صحبت کنیم در حالت معمولی و متعارف سوسیالیست ها ضمن اینکه برای بهبود مادی و معنوی زندگی امروز مردم تلاش میکنند، خواهان تغییر ریشه ای آن نیز هستند ما خواهان نابودی فقر و جهل و خرافات به همراه نابودی تفاوت های طبقاتی هستیم که امروز دارد جهان را تفرقه ها و جنگهای قومی و مذهبی و... همه از اجزای نظام سرمایه داری است جنگ های عظیم جهانی، جنگهای ملی و کشوری، جنگ بر علیه عراق، حکومتهای مذهبی و قومی و... همه از کارکردهای نظام سرمایه داری نشات میگیرد فکر کن چقدر پول و سرمایه صرف تولید جنگ افزار برای کشتار مردم در جهان میشود آیا من سوسیالیست که خواهان نابودی همه اینها هستم و میخواهم انسانها ملیت و مذهب خود را فراموش کنند و برابر و آزاد با دیگران زندگی کنند، طالب خشونت هستم یا رواج دهنندگان خرافه و مذهب و خرافه ملی که حکومتهایشان بر همین اساس استوار است و در طول تاریخشان وسیله ای به جز قهر بر علیه مردم کشور خود و یا کشورهای دیگر بکار نبردند کسانی که نه تنها بمبهای اتمی تولید میکنند بلکه آن را بکار نیز بردند نمیتوانند از عدم خشونت حرف بزنند دولت های سرمایه داری در اکثریت قریب به اتفاق دنیا طرفدار حکومتهای خشن نظامی سرمایه داری بودند و یا خود در بوجود آوردن این حکومتها نقش داشتند حکومت اسلامی هم یک حکومت سرمایه داری است شما که سوسیالیست ها را متهم به خشونت میکنید بفرمایید ببینم طرفدار چگونه حکومتی هستید من میگویم میخواهم به خشونت و جنگ و فقر و نابرابری... پایان دهم آیا این هدف میتواند طالب خشونت باشد ما سوسیالیستها در شرایط آزاد تلاش میکنیم تا مردم را به راه حل خود جذب کنیم اگر دولت های سرمایه داری به خواست مردم تن دهند و به صورت مسالمت آمیز قدرت را به طبقه محروم و سوسیالیستها تفویض کنند که بسیار عالی است اما بعید است که طبقات حاکم و دولتهایشان چنین کنند به هر حال میخواهم بگویم که اگر جایی شرایطی برای تغییر مسالمت آمیز به سوسیالیسم موجود باشد سوسیالیستها از آن استقبال خواهند کرد و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

شکنجه گران و سنگسار کنندگان مردم هم میشود

در پایان یکبار دیگر تاکید میکنم که طرفداران محدودترین حقوق و آزادیهای فردی در جامعه اگر با خود صادق باشند باید خواهان برانداختن قهری رژیم جمهوری اسلامی باشند و یا حداقل از برانداختن قهری آن حمایت کنند البته این قابل درک است کسانی که در ایران فعالیت میکنند محدودیت دارند و نمیتوانند و نباید سرنگونی و یا سرنگونی قهرآمیز را تبلیغ کنند اما نباید هم بر علیه سرنگونی و سرنگونی قهرآمیز قلم بزنند انتظار این است انسانهایی مانند شما تلاش خود را بر علیه تمام تعدی ها و ستم هایی که بر مردم میروند و برای حقوق و آزادیهای انسانها بکار ببرند و برای تغییر این وضعیت تلاش کنند نه اینکه به قلمفرسایی بر علیه کاربرد زور برای تغییر بپردازید کاربرد قهر از اعتصاب و تظاهرات تا قیام مسلحانه را در برمیگیرد

بگذار میلیونها مردم در اثر فعالیتهای متنوع برای کسب آزادی و برابری آماده و اکتیو شوند آنوقت کاربرد زور هم در اشکال غیر خشن تری به حیات رژیم پایان میدهد بگذار میلیونها کارگر به نیروی قهر یعنی اعتصاب دست ببرند، آنوقت ما به شکل غیر خشن تری میتوانیم به حیات رژیم خاتمه دهیم بگذار میلیونها زن به خیابان بریزند و با نیروی قهر حجاب ها را در اعتراض به قانون اسلامی حجاب اجباری به دور بیندازند، آنوقت ما به شکل غیر خشن تری به حیات رژیم اسلامی خاتمه میدهیم بگذار میلیون ها جوان به خیابان آیند، بگذار همه ستم دیدگان به اعتراض برخیزند، آنوقت ما در اشکال قهری غیر خشن تری به عمر جمهوری اسلامی پایان میدهیم اما همتاوردی که نوشتیم ماشین خشونت رژیم اسلامی را مانند فاشیسم و حکومت نظامیان باید بتوان با یک نیروی اقلیت فعال هم انداخت و میلیون ها مردم را برای برقراری آزادی و برابری به میدان آورد شما باید به کار خود بپردازید

انتظار نیست در له سرنگونی چیزی بگویند اما

بر علیه نیروی قهر مردم برای کسب آزادی هم چیزی بنویسید

گویا ما حکمتیستها آدمکشی و قتل و عام را تبلیغ میکنیم قهر به معنای زور است قهر میتواند از اعتصاب و تظاهرات تا قیام مسلحانه را در بر گیرد اما چرا قیام و انقلاب را با آدمکشی و قتل عام یکی میگیرید آیا میدانید انقلاب اکتبر با چهار کشته به پیروزی دست یافت اما پس از انقلاب اکتبر ۱۴ کشور سرمایه داری دنیا به یک دولت تازه تاسیس حمله کردند و به روی انقلاب خون پاشیدند و انقلاب نتوانست از وضعیت جنگی به سلامت عبور کند و به پیروزی دست یابد و در همان سالهای اوائل دهه ۲۰ از اهدافش دور شد شکی نیست که اگر نیروهای اسلامی و نیروهای مترجع دیگر در ایران بتوانند به روی انقلاب آینده مردم خون پاشند، خیلی مشکل میشود تا آن انقلاب را نجات داد ممکن است در شرایط جنگ ناسیونالیسم و بوروکراتیسم و دهها مسئله دیگر انقلاب را زمین گیر کند و به عمر آن پایان دهد مسلما ما باید تلاش کنیم تا از خون پاشیدن به روی انقلاب ایران جلوگیری کنیم

سوسیالیسم را میتوان در شرایط مسالمت ساخت و سازمان داد باید حداکثر نرمش و سازش را به خرج داد تا انقلاب با جنگ و شرایط جنگی درگیر نشود این بزرگترین فاجعه برای انقلاب است اگر کسی دنبال راه مسالمت میگردد، باید فکر کند چگونه اداره کشوری که در آن آزادی و برابری برقرار شده است را با مسالمت به پیش ببرد اما ابتدا باید آزادی و برابری را به چنگ آورد فقط یک قیام میتواند به مسالمت آمیزترین وجهی به عمر رژیم اسلامی پایان دهد

قیام و انقلاب برای انتقام گیری نیست، برای پایان دادن

بجاکمیت یک دستگاه سرکوب است ما مخالف اعدام و حتی حبس ابد هستیم و این شامل سران حکومت اسلامی و

است، واقعیت اینست که این خود نظام بورژوازی است که از بنیاد بر خشونت سازمان یافته متکی است خشونت علیه جان و جسم انسان ها، خشونت علیه عواطف و اذهان آنها، خشونت علیه امید و تلاش آنها برای بهبود زندگی و دنیای خویش، نظام کار مزدی، یعنی اجبار هر روزه اکثریت عظیم جامعه به فروش توان جسمی خویش به دیگران برای امرار معاش، سر منشاء و چکیده کل خشونت ذاتی این نظام است. زنان، کارگران، کودکان، سالخوردهگان، مردم مناطق محروم و عقب مانده تر جهان، هر کس حقی را مطالبه میکند و علیه ستمی بلند میشود، و هر کس و همه کس که در جامعه موجود مهر تعلق به این یا آن "اقلیت" به پیشانی وی کوفته شده است، قربانی مستقیم و هر روزه خشونت عریان نظام موجود است. جنگ و مردم کشی، اساسا در پی رقابت سرمایه ها و قطب های اقتصادی، در این نظام ابعاد خیره کننده ای پیدا کرده است. تکنولوژی سلاحهای اهدام و کشتار جمعی از تکنولوژی تولید به مراتب پیشرفته تر است. زرادخانه بورژوازی در سطح بین المللی برای اهدام چندین و چندباره کل کره ارض کافی است. این نظامی است که سلاح های مخوف اتمی و شیمیایی را عملا علیه توده مردم بکار برده است و بالاخره علاوه بر همه اینها، جامعه بورژوازی میتواند به پیشرفت های خیره کننده اش در تبدیل جنایت، قتل و تعدی و تجاوز به امری عادی و هر روزه در زندگی عموم مردم، مفتخر باشد. آیا چنین نظامی میتواند بدون آنکه مردم کارگر و زحمتکش به زور متوسل شوند، از سر راه رهایی انسان و محو همیشگی خشونت کنار زده شود؟ در هیچ گوشه ای از تئوری کمونیسم، اعمال قهر بعنوان جزء لاینجزا و ذاتی انقلاب کارگری ضروری دانسته نشده است. اما هر کس با اندک شناختی از جامعه موجود اذعان میکند که طبقه حاکم خود را با مسالمت از برابر اراده اکثریت عظیم جامعه برای تغییر نظام موجود کنار نخواهد کشید اگر دفاع از منافع و مصالح روزمره بورژوازی وظیفه دولت و دستگاه سرکوب است. دفاع از نفس موجودیت سرمایه داری و مالکیت بورژوازی به طریق اولی فلسفه وجودی آن را تشکیل میدهد. اگر مطالبه اضافه دستمزد یا آزادی بیان در این جامعه پای دولت و پلیس و ارتش را به میان میکشد، میتوان تصور کرد که تلاش برای خلع ید اقتصادی و سیاسی از بورژوازی با چه عکس العمل و مقاومت قهر آمیزی روبرو خواهد شد. خشونت بورژوازی و دولت او علیه انقلاب کارگری، علیه اراده اکثریت عظیم مردم که زیر پرچم طبقه کارگر برای برقراری یک جامعه نوین به پا میخیزند، امری عملا اجتناب ناپذیر است

این دو مثال را فقط برای این نوشتیم که در تئوری سوسیالیسم قهر از اجزای لاینجزای انقلاب سوسیالیستی قلمداد نشده است. اما بورژوازی عموما قهر را به مردم تحمیل میکند. این مسلم است که حتی دموکراتیک ترین حکومتهای دنیا در مقابل تغییر عمیق و پایه ای که بخواهد اساس مالکیت و نابرابری انسانها را بردارد دست به خشونت میزنند. دولتهایی که یک اعتصاب کارگری را تحمل نمیکند و سرکوب میکنند مسلم است که در مقابل تغییر بنیادی اقتصادی و سیاسی آن دست به خشونت و سرکوبگری میزنند. دوست عزیز این ما حکمتیستهای کمونیست کارگری نیستیم که طالب خشونت هستیم. به جمهوری اسلامی، طالبان، آمریکا، پاکستان و هند ... نگاه کنید، ببینید خشونت کنندگان بر علیه مردم چه کسانی هستند حقیقتش زندگی عادی مردم در جهان در نظام سرمایه داری خود با خشونت بر علیه جسم و روح آنها همراه است. جا دارد در اینجا شما را به بخشی از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در باره انقلاب کارگری رجوع دم که منصور حکمت آن را نوشت:

چند کلمه در باره مفهوم و جایگاه قهر

شما قهر را به مفهوم آدمکشی به کار میبرید و مینویسید که "ما تحت هیچ شرایطی نمیتوانیم آدمکشی و قتل و عام را تبلیغ و توجیح کنیم"

برای آن ارزش و جایگاه ویژه ای قائلند مارکس و انگلس در قرن نوزدهم این شرایط گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم را در آمریکا و انگلیس به دلیل عدم وجود ارتش دائمی و تا اندازه ای عدم وجود دستگاه بوروکراسی در آلمان میدیدند و جایگاه ویژه و مهمی برای آن قائل بودند و لنین هم در شرایط پس از انقلاب فوریه در روسیه در مواقع کوتاهی این امکان را میداد و حزب بلشویک را دعوت کرده بود تا آن را بیازماید اما متاسفانه مخالفین سوسیالیست و کارگر، طبق معمول آن امکان را بستند لنین در سپتامبر ۱۹۱۷ در باره طرح سازش و تکامل مسالمت آمیز انقلاب روسیه نوشت: "ممکن است که ما به این احزاب سازشی را پیشنهاد کنیم، فقط به طور استثنایی و فقط به خاطر وضعیت ویژه فعلی که آشکارا فقط یک دوره کوتاه دوام خواهد آورد و من فکر میکنم ما باید چنین کنیم... الان و فقط الان، شاید در عرض چندروز، یک یا دو هفته بتوان بنحوی کاملا صلح آمیز چنین حکومتی را ایجاد کرد و استحکام بخشید احتمال میروند این دولت بتواند پیشرفت مسالمت آمیز انقلاب سراسری روسیه را تضمین کند و بطور استثنایی فرصت های خوبی را برای گام های بزرگی در جنبش جهانی بسوی صلح و پیروزی سوسیالیسم بوجود آورد از نظر من، بلشویکها که پارتیزانهای انقلاب جهانی شیوه های انقلابی هستند، ممکن است و باید با این سازش فقط به خاطر تکامل مسالمت آمیز انقلاب موافقت کنند فرصتی که بی نهایت در تاریخ نادر و کمیاب و بی نهایت ارزشمند است، فرصتی که فقط گاهگاهی دست میدهد (از لنین در باره سازش)

در همین شماره نشریه جوانان حکمتیست به اطلاعتان رسیده شده است، به زودی مجله "جوان تربیون" به سردبیری عباس رضایی، ماهانه منتشر خواهد شد ضرورت انتشار چنین مجله ای بدو از تنوع مسایلی که مربوط به جوانان هستند ناشی شد. نشریه مجله جوان حکمتیست، بتواند ارگان سیاسی سازمان طبعاً امکان آن را ندارد که به همه این مسایل بپردازد ایده اولیه انتشار چنین مجله ای مدتهاست که در جلسات هیئت اجرایی سازمان میامد و میرفت و جای خوشحالی بود که برای سردبیری این نشریه رفقای متعددی کاندید بودند

بهرام مدرسی

ماهانته منتشر میشود! جوانان از سازمان جوانان حکمتیست - "جوان تربیون" شماره اول "جوان تربیون" به سردبیری عباس رضایی در نیمه اول ماه فوریه منتشر خواهد شد "جوان تربیون" مجله ای از طرف جوانان و برای جوانان است. "جوان تربیون" به مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد پرداخت. "جوان تربیون" را بنویسید

بهرام مدرسی
ماهانته منتشر میشود!
جوانان از سازمان جوانان
حکمتیست - "جوان تربیون"
شماره اول "جوان تربیون" به سردبیری عباس رضایی در نیمه اول ماه فوریه منتشر خواهد شد "جوان تربیون" مجله ای از طرف جوانان و برای جوانان است. "جوان تربیون" به مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد پرداخت. "جوان تربیون" را بنویسید

جناب آقای قزوینی با درود



حسن زارع زاده اردشیر

دوست عزیز با احترام به جنابعالی، اینکه نوشته اید شخصا طالب خشونت نیستید، نشان از حضور نوعی نگرش انسانگرانه در وجود شماست و از آنجاییکه میدانم در مسیر مبارزات ضد حاکمیت دینی با همه مبارزان دیگر در یک صف قرار دارید و دارای حسن نیت، ترجیح دادم، پاسخ لازم و مناسب، اما با عرض پوزش بخاطر وقت کم، کوتاه، را برای شما بنویسم

دوست و هموطن عزیزم: آنچه که تئوری ها در محاق بی عملی جا میمانند، استدلالات تبدیل به بیشترهایی میشوند که جای پاسخ را بر میکنند باید به این واقعیت توجه کنیم که نگرشهای متفاوت نتایج متفاوت بدست میدهند، اما الزاما واقعیات را منعکس نمیکنند مشکل شما دوست عزیز، این است که مجبور هستید تمام موضوعات را از پنجره یک تحول سوسیالیستی بنگرید از ابتدا تا انتها برای شما فرقی نمیکند که در کجای دنیا، در چه شرایط ژئوپولیتیکی و در میان چه مردمی زندگی میکنید و با چه ساختار سیاسی، اقتصادی روبرو هستید لذا یک برنامه و یک نتیجه از پیش تدوین شده ای را در ذهن دارید، که بر اساس آن تحلیل میکنید هموطن من: مفهوم و حس آزادی خواهی این است، که دیگران نظرات خود را ابراز کنند، بدون اینکه تهدید به چوب تکفیر و ارتداد و یا وابستگی شوند اصل آزادی در فراماسیون بورژوازی هم به شما و هم به من اجازه میدهد که بدون تهدید شدن حرفهایمان را بگویم، نقد کنیم همدیگر را رد کنیم، اما همدیگر را ناپود نکنیم، و یا به همکاری با نظام متمم

دوستان مسن تر به من گفتند که این شیوه تخریب در گذشته، در جنبش چپ مارکسیسم، و هم منظور در گروه مجاهدین خلق رواج داشته است و گویا متاسفانه هنوز ادامه دارد استدلال کردن یک چیز است، و متمم کردن چیز دیگر. دوست عزیز شما بدون ملاحظه و توجه به سابقه مبارزاتی و مبانی تئوری ما و برداشت یکسویه از مقاله ای که با هدف ایجاد ائتلاف یا اتحاد عمل بین جریانات سیاسی ایوزیسیون و برای سقوط حکومت اسلامی نوشته شده، با عنوان درشت ما را متمم به حفظ نظام سیاسی، یعنی حکومت دینی نموده اید به همین دلیل نوشتن مقاله هایی دیگر از سوی ما به یک ضرورت تبدیل شده است برای روشن شدن

موضوع مقاله و مواضع ما برای جنابعالی اشاراتی به آن میکنم:

فقر، اعتیاد، یاس و ناامیدی، سرخوردگی، فساد، تفرقه در میان اعضای جامعه و جو عدم اعتماد آنان نسبت به جریانات سیاسی نتیجه حاکمیت دینی بر مردم ما بوده است تلاش ما برای دوری از شعار زدگی، و ایجاد هماهنگی و در نهایت اتحاد در بین اعضای ملت ایران بوده و هست درک شرایط کنونی ایران توسط کلیه جریانات سیاسی موجود در داخل و خارج امکان ندارد، این امکان زمانی فراهم میشود که جریانات و نیروهای سیاسی آنچه را که واقعیت دارد ببینند، نه با چشم و گوش بلکه با حرکت بسوی عملی کردن خواست اجتماعی. این حرکت در شرایط ویژه کنونی امکان ندارد، مگر جریانات سیاسی با رویکرد به تاریخ تحولات سیاسی دنیا خود را با واقعیت مردم ایران نزدیک نمایند، و نه اینکه برای آنان نسخه بیچند

تعدیل تاریخی نظرات سیاسی در نزد مکاتب در پروسه مبارزات تاریخی آنها بدست آمده است. مثال تاریخی و موجود، مکتب مارکسیسم است که توضیحات آن بصورت کوتاهی داده شده است. حتی مکتب لیبرالیسم که مدعی آزادی خواهی است از بدو پیدایش خود بشکلی محافظه کارانه ظاهر شد و سپس تعدیل یافت. پروسه تعدیل حتی دامن دین را نیز رها نکرده و تاریخ تغییرات آن عقب نشینی در مقابل بدعت ها است. اصولا برای پیدایش شرایط نو، اندیشه نو لازم است. به همین دلیل است که هر مکتب سیاسی و یا فرهنگی در پروسه پویایی خود بدنبال راه حلهای جدید تر و موثر تر است. بیان این واقعیت که یک قاعده ثابت نمیتواند برای تمام دنیا به اجرا گذارده شود دیگر به موضوعی تکراری بدل شده است.

اصرار جنابعالی در این بوده است که چرا حکومت اسلامی را با انقلاب فرانسه مورد قیاس قرار میدهم اولین برداشت اشتباه شما در اینجا بود من شرایط کنونی در ایران را با آن دوران تطبیق تاریخی نداده ام، یعنی نمیتوان اینکار را کرد. منظور بیان رویدادی مهم در تاریخ جهان بود، که میتواند بعنوان تجربه مورد استفاده نیرو های سیاسی قرار گیرد. هدف من از طرح آن، دوران پس از حکومت اسلامی است. یعنی اگر مجموعه نیرو های سیاسی موجود در داخل و خارج از کشور از ابتدا، برای حذف، برکناری و سرنگونی حکومت دینی به تفاهم نرسند و برای پس از حکومت اسلامی برنامه ای مشخص نداشته باشند، رویداد های فرانسه ثابت کرده است که یک دوران پر آشوب و خطرناکی برای مردم ایران پدید خواهد آمد هر کسی و یا جریانی برای کسب قدرت سیاسی قشون کشی براه خواهد انداخت و آتارشی سیاسی همه جا را فرا خواهد گرفت بدون شک شرایطی مانند فرانسه بعد از شاه لویی شانزدهم برای کشور ما پدید خواهد آمد، که خود بهتر میداند بحران ایران در شرایط فعلی آقدر گسترده و عمیق است که اشتباه هر جریان سیاسی و خود محور میتواند ضایعات آنرا فراگستر نماید

و اما انتقاد شما دوست عزیزم همانگونه که

گفتم از دیدگاه مارکسیستی به قضیه تحول سیاسی در ایران است. شما چون معتقد به استراتژی انقلاب سوسیالیستی در ایران هستید، تاکتیک قهر آمیز همواره در دستور کارتان قرار دارد شما قبل از اینکه به تاکتیک ما ایراد وارد کنید، بهتر است به استراتژی ما حمله کنید و چون در آن مقاله کوتاه جای بحث آن باز نبوده (قبلا مقالات زیادی در این ارتباط داده ایم) شما از انتها به ابتدا سفر کرده اید یعنی به تاکتیک مبارزاتی ما حمله کردید و نتیجه گرفتید که استراتژی ما طرفداری از جمهوری اسلامی بدون ولایت است. اگر شما توانستید آن زمینه استبدادی که بر بستر آن دیکتاتوری پدید آمد آتوقت میتواند اتهام خود را نیز بر ما وارد بداند بستر پرورش این تاریخ کنونی در ایران، همان فرهنگ سیاسی استبداد دینی است که هدف اصلی جریانات ایوزیسیون را تشکیل میدهد

ما معتقد به حذف حکومت دینی و برقراری آزادی و دموکراسی در ایران هستیم. ما بدو ترجیح میدهم که تغییری غیر خشونت آمیز را تقییم کنیم، از آنجاییکه معتقد هستیم رژیم پوشالی تر از آن است که بتواند طرفداران گسترده ای را باز سازی کند و خود حکومتگران و طرفداران آنها نیز بخوبی میدانند که عمر شان بسپر آمده، واژگونی آنها در صورت پدید آمدن یک رهبری شورایی بسیار سریع خواهد بود اما شما تاکتیک خشونت آمیز خود را به عهده حکومت نگذارید خشونت از مهمترین اجزای تئوری شماست که صد البته از تاکتیک تهاجمی و دفاعی حاکمان مستبد سیاسی نیز بحساب میاید شما برای رسیدن به هدف سوسیالیسم به قهر انقلابی احتیاج دارید، اما اگر به این نتیجه منطقی برسید که این مرحله از تحول نمیتواند در راستای یک انقلاب سوسیالیستی باشد، ممکن است که برای کسب حداقل ما تلاش نمایم، یعنی خودتان را با خواست کنونی جامعه ایران هماهنگ کنید و برای نفی حاکمیت دینی در ایران با تمام نیروهای دموکراسی خواه ایران هماهنگ شوید ما تحت هیچ شرایطی نمیتوانیم آدمکشی و قتل و عام را تبلیغ و توجیح کنیم ما نیز چون شما این احتمال را دور از ذهن نمیداریم که رژیم حتی در آخرین لحظات عمر ننگن خود دست به اسلحه ببرد، در اینصورت دفاع حق مردم است. حکومت حمله میکند و مردم دفاع از دید ما هدف وسیله را توجیح نمیکند، تجربه آدمکش هایی که چه از طریق انقلابات سوسیالیستی و چه انقلابات از انواع دیگر (دینی) به قدرت میرسند، نه تنها از نظر کیفی شبیه به هم هستند که حتی از نظر شکلی نیز بسیار بهم نزدیکند است. یکی فرمان سنگسار و قطع دست و پا و حکم تیر باران دسته جمعی میدهد. و استالین فرمان گردن زدن (تروتسکی) با تبرو قتل عام باران خود را که برجسته ترین آنها بوخارین، کامنف و زینوف و دیگران بودند را میدهد و در عین حال صدها هزار مخالف خود را به گولاک در سرمای پنجاه درجه زیر صفر میفرستد تا هر روز هزاران نفر از بین بروند،

دادگاههای فرمایشی وی با حکومت اسلامی کوچکترین تفاوتی ندارد حکم تیر باران روزمره است. هیتلر کوره های آخسوزی در مقابل گولاک استالین را دارد حکم تیر باران های دسته جمعی ویژگی مشترک همه جانیان تاریخ است. علت اینکه مارکس و دیکتاتوری پرولناریاباز گو شد، این است که مارکسیستهای بعد از آن با انحراف مسیر ازمصل تئوری مارکس، شروع به زاید ن دیکتاتورهای رنگا رنگ کردند و نه دیکتاتوری پرولناریا من خواستم بگویم که هیچگاه مارکس منظورش دیکتاتوری فردی نبوده است، شما نباید از این موضوع برداشت مکانیکی کنید، آترا با ولایت مطلقه فقیه منطقی کنید و اصرار داشته باشید که من دیکتاتوری طبقه روحانیت را آنگونه که شما دیکتاتوری پرولناریا را میپذیرید، می پذیرم. منظور من این بوده و هست که اشتباهات مخوفی در این دستگاه فکری روی داده است

که غیر قابل جبران است. و حداقل تا کنون تنها تبدیلی که توانست نامی از مارکس باقی نگه دارد، همان مکتب فرانکفورت است، که در پی تحولات خشونت بار شوری سابق به نفی انقلاب قهر آمیز رسیده است. هموطن عزیز: شرایط حساس و خطرناک کنونی اجازه نمیدهد که بدون در نظر داشتن شرایط تحمیلی جهانی به مسئله تحول سیاسی در ایران بیندیشیم. تفکر انتزاعی نتیجه انتزاعی را نیز در بر دارد اوتوپای سوسیالیسم که بیشتر مجادلات درونی دوران دانشجویی را در اذهان متبادر میکند، پاسخگوی این حجم عظیم از فاجعه ای که هم حاصل بیخردی جریانات سیاسی ایرانی و هم سو استفاده استعمار است نخواهد داد. بهتر این است که از دکماتیسمن نظری خود برای نجات و حفظ کشور قدری عقب نشینی کنیم. برای حذف استبداد از کشور همراه هم شویم، بیبی است که نقش رادیکالیسم جنبش چپ در تحول پیشرو مثبت ارزیابی شده وهمچون سایر کشور های جهان، چپ ایران نیز با واقع بینی میتواند وزن و تاثیر خود را به اثبات برساند من معتقدم در شرایطی که مردم و مبارزان داخل احتیاج به همدلی و همراهی دارند، بحث های این چنینی کمک زیادی به آنها نمیکند. من از نقد شما سپاسگزارم، دوستی شما از طریق خوبی صورت پذیرفت. امید است که در مبارزه بر علیه حکومت ظلم و جور فرصت بقا باقی باشد تا بتوانیم در فردای آزاد در ایران آزاد دنبال کنیم

برقرار باد آزادی و دموکراسی
پاینده ملت ایران

به سازمان جوانان

کمونیست -

مکمتیست

پیوندیدا

تلویزیون پرتو ۲۰ آذر (۲۰ دسامبر) شروع به کار می کند!

تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تلویزیون پرتو، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادخواه و برابری طلب است. برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دوستاندین آزادی و برابری توصیه کنید. تلویزیون پرتو تریبونی از آن همه کسانی است که در خفتان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند. این برنامه ها هر دوشنبه ۱۱ تا ۱۲ شب به وقت تهران (۹ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی و ۱۲ تا ۱ ظهر به وقت امریکای شمالی) از کانال یک پخش می شود. این برنامه ها سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح به وقت تهران (۷ تا ۸ صبح به وقت اروپای مرکزی) مجددا پخش می شود.

مشخصات کانال:

Telstar 12

Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17.4687ms
inf Rate: 24.148Mbps
Video PID 1760
Ahdio PID 1720
FEC: 3/4

Telstar 5

Freq: 12.090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20 000
FEC: 3/4

از این سایت ها دیدن کنید:

www.sjk-hekmatist.com
www.hekmatist.com
www.iskraa.com
www.m-hekmat.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com

تماس با سازمان جوانان کمونیست - مکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۲

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی
fatahi100@yahoo.com

مسئول خارج کشور: جمال کامانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مسئول مالی: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۲۴۲۴۵